

تبیین و نقد سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی

براساس دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام^۱

معصومه خنکدار طارسی*

احمد سلحشوری**

اسماعیل فیضی***

چکیده

هدف این پژوهش تبیین و نقد میزان همخوانی و ناهمخوانی سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی براساس دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام است. روش تحقیق در بخش کیفی، روش تحلیل از نوع تفسیری و در بخش کمی، روش پیمایشی و برای فازی‌سازی داده‌ها، از روش تحلیل فازی دوزنقه‌ای استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل دو جامعه آماری؛ یکی، خبرگان حوزه فازی دارای سابقه تدریس، تألیف کتب و مقالات علمی و دیگری، طلاب سطح سه به بالا در حوزه علمیه بودند. ابزار گردآوری نیز اطلاعات پرسشنامه و مصاحبه بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که میزان همخوانی و ناهمخوانی سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی با دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام در مؤلفه محبت، تا حدودی سازگار، موافق و نسبتاً بی‌طرف، در مؤلفه آزادی تا حدود کمی بی‌طرف و نسبتاً مخالف، در مؤلفه کنترل تا حدودی سازگار و نسبتاً موافق، در مؤلفه توانایی و وسع تا حدودی بی‌طرف، در مؤلفه تشویق تا حدود کمی مخالف، بی‌طرف و کمی موافق و در نهایت در مؤلفه تنبیه تا حدودی بی‌طرف است.

واژگان کلیدی: سبک تربیتی، رویکرد فازی، نقد، ائمه اطهار علیهم‌السلام.

مقدمه

چالش‌ها و بحران‌های عصر جدید، یکی از مسائل مهمی است که جنبه‌های گوناگون زندگی انسان‌ها را تغییر داده و موجب دگرگونی در ماهیت نظام تعلیم و تربیت شده است (محسنی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۰۴)؛ همچنین تحولات عصر حاضر، روابط بین والدین و فرزندان را تحت الشعاع قرار داده و بنابراین، به عقیده یو،^۱ اساس رویارویی و مقابله با این چالش‌ها، ضرورت تغییر و تحول در نظام تربیتی را موجب شده است (۲۰۰۳، ص ۲۰۴). رشد شناختی-عاطفی و سلامت روانی^۲ به خانواده و محیط بستگی دارد (ویدمر، ۲۰۱۳، ص ۲۰۹). دوران نوجوانی فرزندان، یک دوره رشدی چالش‌برانگیز است (بلو، ۲۰۱۷، ص ۸۴۱)؛ از این‌رو روان‌شناسانی چون زیگموند فروید،^۳ اریک اریکسون،^۴ جان بالبی،^۵ هاری استاک سالیوان،^۶ کارن هورنای^۷ درباره وجود فضای گرم خانواده، به‌ویژه در سال‌های اولیه اهمیت خاصی قائل شده‌اند (نقی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۱۴). پلرین^۸ با اشاره به جایگاه و نقش مهم خانواده معتقد است که سبک‌های تربیتی والدین، تعاملات بعدی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۲۰۰۵، ص ۲۸۴). خانواده و سبک‌های تربیتی از مهم‌ترین عوامل در تحول مثبت فرزندان می‌باشد که بیانگر روابط عاطفی و نحوه برقراری ارتباط میان والدین و فرزندان است (فان،^۹ ۲۰۱۴، ص ۲۰۴). به اعتقاد جاگو،^{۱۰} سبک‌های تربیتی مجموعه‌ای از نگرش‌های والدین نسبت به فرزند و در رابطه با تربیت فرزندان است که سبب ایجاد جوی عاطفی میان فرزندان و والدین می‌شود (۲۰۱۱، ص ۴۶). دست‌چینز معتقد است که سبک تربیتی یکی از مؤلفه‌های اساسی در تحول و تربیت فرزندان است و مهم‌ترین دستاوردها از جمله توانایی‌های شناختی و اجتماعی را برای فرزندان به همراه دارد (۲۰۰۸، ص ۵۸۸). به باور دریسکول،^{۱۱} بین سبک‌های تربیتی و آسیب‌های روانی فرزندان ارتباط وجود دارد (۲۰۰۸، ص ۱۸۷). وجود مشکلات رفتاری فرزندان به منزله روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است؛ بنابراین چالش‌های رفتاری در فرزندان، ما را به شناسایی محیط‌های خانوادگی نه

1. Yau
2. Mental Health
3. Sigmund Freud
4. Eric Erickson
5. John Balby
6. Harry Stauk Sullivan
7. Kaen Horney
8. Pellerin
9. Fan
10. Jago
11. Driscoll

چندان مطلوب و شیوه‌های نادرست تعامل والدین-فرزند می‌کشاند (دالزل، ۲۰۰۷، ص ۵۷۹). عزیزاده معتقد است که بیشتر خانواده‌ها از سبک‌های تربیتی نامطلوب استفاده می‌کنند که منشأ ترس و اضطراب در فرزندان است (۲۰۰۲، ص ۲۹). سبک‌های تربیتی ناکارآمد به آسیب‌پذیری کودکان در برابر اختلال‌هایی همچون اضطراب، مشکلات رفتاری و آسیب‌های روان‌شناختی می‌انجامد (سماح، ۲۰۰۹، ص ۱۰۹). بدین منظور بامریند والدین را براساس دو بعد پاسخگویی و تقاضا طبقه‌بندی کرد که می‌توان در آن به چهار سبک تربیتی مستبدانه، آسان‌گیر، غفلت‌انگارانه و مقتدرانه اشاره نمود (۱۹۹۱، ص ۵۷). به اعتقاد لونگارینی^۲ (۲۰۱۵) پاسخ‌دهی به میزان تلاش والدین برای رشد ابراز وجود، استقلال در کودکان، حمایت و اطمینان‌بخشی به کودکان و توجه به نیازهای آنان اشاره دارد و تقاضا و توقع داشتن، سطحی از کنترل است که والدین برای فرزندان اعمال می‌کنند. گراسیم^۳ نیز معتقد است که تقاضا به استفاده از اقتدار و شیوه‌های انضباطی اشاره دارد (۲۰۱۷، ص ۱۰۱۴). سبک‌های مستبدانه، آسان‌گیر و غفلت‌انگارانه دارای معایب بسیاری است، ولی از دیدگاه روان‌شناسی، سبک مقتدرانه از موفق‌ترین سبک‌های تربیتی است؛ با وجود این، پژوهش‌های فراوانی نشان داد که استفاده والدین از این سبک نیز با مشکلاتی همراه بوده است. تحقیق آهنگرانزایی (۱۳۹۰) گویای آن بود که استفاده از سبک دموکراتیک (مقتدرانه) توسط والدین، سبب بروز خشم و پرخاشگری کلامی و ایجاد خصومت در فرزندان می‌شود. نتایج پژوهش‌های خانجانی و محمودزاده (۱۳۹۲) در مادران شاغل و خانه‌دار نشان داد که مادران خانه‌دار بیشتر از سبک تربیتی مقتدرانه استفاده می‌کنند؛ در نتیجه میزان سازگاری اجتماعی فرزندان این نوع خانواده‌ها به نسبت خانواده‌های دیگر کمتر است؛ زیرا این مادران بیشتر وقت خود را صرف کارهای مربوط به خانه‌داری می‌کنند. به باور رضایی و خداخواه، هیچ‌یک از سبک‌های تربیتی به صورت مستقیم در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سهم ندارند (۱۳۸۸، ص ۱۳۰). روهنر (۲۰۰۸) به مؤلفه‌هایی همچون پذیرش/ طرد و مسلط/ مطیع اشاره داشته است. دونکل و هاربیگ (۲۰۰۹) نیز به مؤلفه پذیرش/ طرد و محدود بودن/ آسان‌گیر بودن اشاره داشته‌اند. گانتی^۴ (۲۰۰۸) نیز به مؤلفه مهرورزی و کنترل در سبک‌های تربیتی اشاره دارد. رینالدی^۵ (۲۰۱۱) محبت و سطوح مناسبی از آزادی را از مؤلفه‌های سبک تربیتی می‌داند. دیاز^۶ (۲۰۰۵) نیز

1. Dalzell
2. Lungarini
3. Gherasim
4. Gunty
5. Rinaldi
6. Diaz

مهارگری شدید و کنترل و سطوح پایین صمیمیت عاطفی و محبت را از مؤلفه‌های سبک تربیتی برمی‌شمارد. گوپلان^۱ (۲۰۰۹) نیز پیروی کردن و کنترل، و آزادی را جز مؤلفه‌های سبک تربیتی برمی‌شمارد. هیل استروم^۲ (۲۰۰۹) نیز محبت و تنبیه را از جمله مؤلفه‌های سبک تربیتی می‌داند؛ بنابراین از آنجا که سبک‌های تربیتی دارای دو بعد هستند؛ پس می‌توان دو قطبی بودن را از معایب این سبک‌ها برشمرد (بشارت و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۲). به‌طور کلی می‌توان گفت که معرفت‌شناسی غالب بر تربیت، معرفت‌شناسی دو ارزشی (صفر و یک) و یا همان فضای ارزشی کذب و صدق ارسطویی است که زیربنای آن را می‌سازد (زارعیان و سفیری، ۱۳۹۰، ص ۸۴). امروزه شیوه‌های تربیتی والدین به صورت صفر و یک و باید و نباید برای کودکان ارائه می‌شود. مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای والدین در شیوه‌های تربیتی فرزندان، عامل بروز برخی مشکلات همچون ناتوانی در ایجاد رابطه با دیگران دانسته می‌شود.

یکی از ویژگی‌های مهم منطق در دوره ارسطویی، «پایستار بودن»^۳ است. به عقیده سمپار^۴ این منطق، منطقی دو ظرفیتی و دو ارزشی است، نه چند ارزشی (سمپار، ۲۰۰۷، ص ۲۳). در منطق ارسطویی حالت میانه‌ای وجود ندارد و شیوه استدلال، قطعی و صریح می‌باشد. خصوصیت مهم علم در دوره نیوتنی نیز توجه به نقش ریاضیات و تثبیت آن همانند منطق در دوره پیشین بود و علت غایی ارسطویی جای خود را به علت فاعلی و منطق، جای خود را به ریاضیات و به‌ویژه فیزیک داد. متفکران این دوره معتقدند که سیستم‌های جهان قانونمند و تغییرناپذیر و قطعیت‌پذیرند (سلحشوری و خنکدار طارسی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹). از جمله ویژگی‌های فکری این دوره تعادل و کنترل بود و نظریه‌های این دوره، روابط نظام‌مند، سلسله‌مراتبی و منسجم را می‌پذیرند و به روابط حاشیه-مرکز پایبند هستند (سلحشوری و ایمان‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴). در این دوره جهان؛ عقل‌گرا، قابل پیش‌بینی، معین، دارای نظم مکانیکی، علیت‌مدار، دارای الگو، قابل کنترل، خطی، دارای عینیت و ثبات بوده و هر معلولی ناشی از یک علت خاص است. می‌توان گفت که این دوره بحران‌هایی را برای تعلیم و تربیت به ارمغان داشته است (نادینگر، ۱۳۹۰). دوره سوم علم با فیزیک کوانتومی شروع شد و به عقیده سلیمان^۵، گسترش آن سبب شد تا این قرن به نام فناوری‌های کوانتومی^۶ نامگذاری شود (سلیمان، ۲۰۰۳، ص ۳۸). جانزن^۱ مرتبط بودن درهم‌تنیدگی تمامی

1. Goplan

2. Hillstrom

3. Conservativeness

4. Sampar

5. Selman

6. Quantum Technologies

عناصر در جهان را مشخصه اصلی تفکر کوانتومی می‌داند (۲۰۱۲، ص ۵۹). در رویکرد کوانتومی، رخ دادن هر پدیده غیرقابل پیش‌بینی، دور از انتظار نیست و جهان در عین خودسامان‌دهی، به سمت نظم در حال حرکت می‌باشد (فیرهولم، ۲۰۰۴، ص ۳۷۱). رویکرد فازی، جهان‌بینی جدیدی است که محصول دوره سوم علم می‌باشد و با وجود ریشه داشتن در فرهنگ مشرق زمین، با نیازهای دنیای پیچیده کنونی بسیار سازگارتر از منطق جدید است. رویکرد فازی مرز مشخصی نیست و تعلق عناصر مختلف به مفاهیم و موضوعات گوناگون نسبی است؛ بدین ترتیب مشخص می‌شود که این رویکرد ابزاری مناسب برای توصیف اطلاعات مبهم و نادقیق و مواجه با عدم قطعیت در فرایند مسائل می‌باشد (وُو، ۲۰۱۱، ص ۹۲۰). فازی بودن به معنای چندارزشی و طیفی بین سیاه و سفید یا همان خاکستری است که امکان مدل‌سازی برای وضعیت‌های غیرقطعی فراگیر دنیای واقعی را فراهم می‌سازد (رودریگو، ۲۰۰۴). در مقابل پارادایم‌های دوگانه‌ای مانند کمی و کیفی، ذهنی و عینی، علم و اسطوره و... پارادایم‌های سه‌گانه اثبات‌گرا-پسااثبات‌گرا، طبیعت‌گرا و پارادایم‌های رهایی‌بخش نیز مطرح شده‌اند. این فضای چند ارزشی که دارای ماهیتی مبهم، غیرقطعی و درجه‌بندی شده‌اند، معرفت‌شناسی فازی است (یگانه و بمانیان، ۱۳۹۴، ص ۳۱۶). در این منطق، انسان در فضای مجموعه‌ها می‌اندیشد (همان، ص ۳۱۷). تفکر فازی بر اصولی همچون اصل ناهم‌سازگاری،^۳ اصل پیوستگی،^۴ اصل هم‌برخگی^۵ (وکیلی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۱)، اصل سیالیت واقعیت، عدم مقوله‌سازی صفر و یک و ذومراتب بودن حقیقت استوار است (کرمانی و یعقوبیان، ۱۳۹۰). با توجه به چالش‌های موجود در نظام تربیتی، آموزش فرزندان و تعلیم و تربیت نیز یکی از زمینه‌های کاربرد این رویکرد می‌باشد. این رویکرد در بخش آموزش سبب ارتقای قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و افزایش کارایی فرزندان می‌شود (میرصفیان، ۱۳۹۵، ص ۴۳). والدین در سبک‌های تربیتی فرزندان باید دوگانگی موجود در سبک‌های تربیتی پیشین را از بین برده، برای خلاقیت و شکوفایی فرزندان تلاش کنند. ماهیت بیشتر متغیرها و پدیده‌ها در علوم تربیتی، پیرامون محور انسان و تعاملات رفتاری متمرکز است. در مباحث مطرح شده در علوم تربیتی از متغیرهای کلامی بیشتر استفاده می‌شود و از آنجا که نگرش افراد نسبت به موضوعات یکسان نیست، ابهام و سردرگمی و پیچیدگی را به همراه می‌آورد که منطق کلاسیک و

1. Janzen

2. Fairholm

3. Incompatibility

4. Connectivity

5. Fractality

منطق جدید برای رفع این ابهام کارگشا نیست؛ بنابراین رویکرد فازی می‌تواند به‌عنوان یک روش معقول برای رویارویی با این شرایط به‌کار رود (ژائو،^۱ ۲۰۱۵، ص ۵۸۵). رویکرد فازی می‌تواند داده‌هایی را که فاقد دقت کمی در مسائل تربیتی هستند، براساس قواعد مجموعه‌های فازی برطرف سازد (قنبری، ۱۳۹۴، ص ۱۵۳). از سوی دیگر با توجه به ویژگی‌هایی همانند، عدم قطعیت، عدم جدایی بین مشاهده و نظریه، خودتنظیمی، تأکید بر چندمراتبی بودن نه سلسله‌مراتبی بودن، چندارزشی، تمرکز بر رفتار و نه نتیجه، مدل‌های فازی به جای تحویل‌گرایی، واژگون ساختن مفاهیم عینی و نفی سلسله‌مراتب، هیچ حدودمرزی باقی نمی‌ماند و این امر با تربیت در تناقض است، زیرا تربیت امری هنجاری می‌باشد و با باید‌ها سروکار دارد و برای همین باید یک‌سری حدود و مرز را برای او به وجود آورد که عدول از آن به معنای بیرون رفتن از حیطه تربیت است (سلحشوری و ایمان‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۸۶). با توجه به ویژگی‌های گفته‌شده، اگرچه رویکرد فازی در قسمت مبانی نقدهایی به آن وارد است، اما از حیث روش‌شناسی می‌تواند راهگشای برخی از مسائل تربیتی باشد. سبک تربیتی فعالیتی است با رفتارهای خاص که فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (تنهای رشوانلو و حجازی، ۱۳۸۸، ص ۳) و شامل پرورش و اجتماعی کردن فرزندان با استفاده از گرایش‌ها، اعمال و جلوه‌های غیرکلامی است (محسنی و آهویی، ۱۳۹۵، ص ۳۹). به بیانی دیگر، سبک تربیتی به معنای فرایند الگودهی برای تربیت فرزند از سوی والدین است (قدسی و قائمی، ۱۳۹۳، ص ۳). در متون اسلامی نیز فرزندپروری فعالیت پیچیده شامل رفتارها، زمینه‌سازی‌ها، آموزش‌ها، تعامل‌ها و روش‌هایی است که به‌طور مجزا و در تعامل با یکدیگر بر رشد شناختی، معنوی، عاطفی، رفتاری در ابعاد فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. منبع دریافت سبک تربیتی برای فرد مسلمان از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بی‌تردید مطلوب‌ترین منبع، سبک تربیتی و زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد (بناری، ۱۳۹۴، ص ۱۳۶). در اسلام، تربیت فرزند از مهم‌ترین وظایفی است که از دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام در اصل به‌عهده پدر و مادر و سپس بر عهده معلمان و مربیان نهاده شده است؛ زیرا تربیت فرزند، رابطه مستقیم با صلاح و فساد جامعه دارد. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: والدین باید برای آموزش و تربیت فرزندان بهترین شیوه‌ها را به‌کار برند (محدث نوری، ۱۴۱۸، ج ۱۵، ص ۱۶۸). پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز مسئولیت‌پذیری و تربیت فرزندان را از وظایف والدین می‌داند و در حدیثی می‌فرماید: هر کودکی با فطرت خدایی تولد می‌یابد و این پدر و مادر هستند که او را از مسیر فطرت سلیم خود (اسلام) منحرف می‌سازند (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۸۱).

در سبک تربیتی ائمه اطهار علیهم‌السلام والدین مسئول، انتظار در حد توان از فرزندان خود دارند؛ در تعامل با آنها متناسب با سن آنها، عواطف نشان می‌دهند؛ حتی المقدور از تنبیه بدنی پرهیز کرده، از قهر و تنبیه‌های طولانی خودداری می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۱۱۴). مهم‌ترین اصول و مبانی نظام تعلیم و تربیت اسلامی در سبک تربیتی ائمه اطهار علیهم‌السلام بر محور شناخت خدا، انسان و هستی و به دیگر سخن، ایمان به اصول و فروع دین اسلام و اخلاق استوار است. در دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام به اصولی همچون توجه به اصول اعتقادی دین و مذهب، توجه به احکام و قوانین شرعی، رشد اخلاق، پرورش استعدادها، آموزش علوم و خلق آثار علمی توجه شده است (یاوری، ۱۳۸۷، ص ۴۴). از ویژگی‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پویندگی، همگانی و جاودانی بودن تعلیم و تربیت، پرهیز از درآمیختن انگیزه و انگیزه‌ها، پرهیز از خودباختگی و شخصیت‌زدگی، پرهیز از جنجال‌پردازی به جای استدلال و اینکه تحصیل علم در تعلیم و تربیت مرز، زمان و مکان و جنسیت نمی‌شناسد (صدقی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۲۶-۳۰). با توجه به اهمیتی که رویکرد فازی، سبک تربیتی و مؤلفه‌های آن در تربیت همه‌جانبه فرزندان دارد، پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع مورد بررسی قرار گرفت. شریفی و لطفی قادیکلایی (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که محبت، تنبیه و تشویق، نظارت و کنترل بر فرزندان، استقلال و خوداتکایی از جمله اصول و مؤلفه‌های سبک تربیتی امام رضا علیه‌السلام است. ربانی اصفهانی (۱۳۹۴) در پژوهش خود بر مؤلفه‌ها و روش‌های تربیتی همچون، محبت، تقاضا متناسب با توانایی‌های کودک، تأکید بر نظم، نهی از تربیت در موقع خشم، تغافل و تنبیه اشاره کرده و ائمه اطهار علیهم‌السلام را بهترین الگو و نمونه تربیتی دانسته‌اند. بناری (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان داد که در سیره تربیتی امامان معصوم علیهم‌السلام توجه ویژه‌ای به اصول تربیت فرزندان همچون زمینه‌سازی، پیشگیری، تدریج، توجه به توانایی و ظرفیت متربی و نیز اصل آزادی و پرهیز از تحمیل بر کودک شده است. شفیعی‌پور و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که سبک سهل‌گیرانه با افزایش مشکلات درونی‌سازی در فرزندان همراه است و سبک‌های تربیتی مستبدانه و سهل‌گیرانه، از سبک‌های تربیتی ناکارآمدند که هرکدام به نوبه خود موجب بروز مشکلات رفتاری و عاطفی مختلفی در کودکان می‌شوند. قره‌داغی قهرمانلو (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان می‌دهد که استفاده از سبک مستبدانه و سهل‌گیرانه والدین سبب کمبود تاب‌آوری در فرزندان، پایین آمدن کیفیت زندگی و عملکرد تحصیلی در آنها شده است. رضایی و خداخواه (۱۳۸۸) در پژوهشی نشان دادند والدینی که از سبک مقتدرانه استفاده می‌کنند، فرزندان‌شان یادگیری را ذاتی، سریع و ثابت نمی‌دانند. ذباح و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که در ارزشیابی‌های مختلف به روش کلاسیک آماری و استنتاج فازی، روش فازی می‌تواند با دقت بالاتری به رتبه‌بندی اساتید بپردازد؛

در نتیجه هرگاه ارزشیابی از استاد یا دانشجو به صورت فازی باشد، کارایی سیستم نسبت به سیستم کلاسیک به صورت چشمگیری افزایش می‌یابد. اکبری ورزنه و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به مطالعه اثر سبک‌های شناختی مستقل از زمینه و وابسته به زمینه بر یادگیری یک تکلیف پرداخته‌اند؛ نتایج نشان داد که بین شرکت‌کنندگان مستقل از زمینه و وابسته به زمینه به شیوه کلاسیک در هر دو شرایط محیطی باز و بسته تفاوت معناداری وجود دارد و در تمام مراحل آزمون شرکت‌کنندگان مستقل از زمینه عملکرد بهتری داشتند، اما بین دو گروه مستقل از زمینه و وابسته به زمینه به شیوه فازی، تفاوت معناداری مشاهده نشد. مظاهری و قنبری (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که سیستم‌های مبتنی بر منطق فازی با بهره‌مندی از روش‌های نوین محاسبات ریاضی در تلاش است تا حدی از ابهام موجود در فرایند اندازه‌گیری متغیرها را بکاهد. شعبانی‌نیا و تاج‌پیکر (۱۳۹۳) در پژوهشی بیان می‌کنند که منطق فازی، جزئی از منطق والای قرآن کریم است. قنبری و مظاهری (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان دادند که تحول نظام آموزش و پرورش در فرایند «آنتروپیک فازی» بر مبنای مدل ریاضی تغییرات تدریجی و تحولی در یک سیستم شکل می‌گیرد.

پس پژوهش حاضر را از چند جهت می‌توان مورد توجه قرار داد، زیرا تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده، تنها به سبک‌ها و شیوه‌های تربیتی اشاره می‌کنند که دو قطبی‌اند؛ همچنین تاکنون در مورد سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی پژوهشی انجام نگرفته است. پس با تعمق، بررسی دقیق و بازخوانی نظریات و روش‌های پژوهشی گذشته، رویکرد فازی می‌تواند ابعاد تازه‌ای از مسائل حوزه تعلیم و تربیت را تبیین کند و دیدگاه کامل‌تری را فرا روی دست‌اندرکاران این حوزه‌ها قرار دهد؛ بدین ترتیب این پژوهش درصدد تبیین و نقد میزان همخوانی و ناهمخوانی سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی براساس دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام است.

روش پژوهش

این تحقیق از لحاظ هدف و ماهیت، از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ رویکرد، آمیخته از نوع اکتشافی است. روش پژوهش نیز در بخش کیفی، روش تحلیل از نوع تفسیری و در بخش کمی، روش پیمایشی و برای فازی‌سازی داده‌ها، از روش تحلیل فازی ذوزنقه‌ای استفاده شده است. که در این قسمت به تعیین و تعریف اعداد فازی ذوزنقه‌ای یا مثلثی اشاره می‌شود. تعیین و تعریف اعداد فازی ذوزنقه‌ای به صورت $\bar{A} = (a_1, a_2, a_3), a_1 \leq a_2 \leq a_3 \leq a_4$ تعریف می‌شود که اگر $a_2 = a_3$ آنگاه \bar{A} یک عدد فازی مثلثی خواهد بود که تابع عضویت آن با رابطه زیر تعریف می‌شود (چنگ، ۲۰۰۲).

$$\mu_{\tilde{A}}(x) = \begin{cases} 0, & x < a_1, \\ (x - a_1)/(a_2 - a_1), & a_1 \leq x \leq a_2, \\ 1, & a_2 \leq x \leq a_3, \\ (x - a_4)/(a_3 - a_4), & a_3 \leq x \leq a_4, \\ 0, & x > a_4. \end{cases}$$

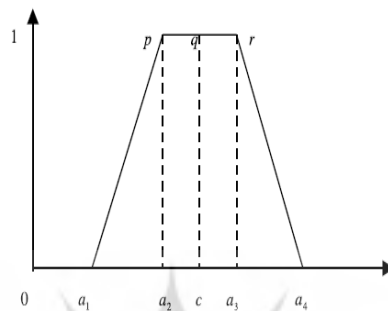


Fig. 1. The defuzzification value of the trapezoidal fuzzy number.

From Fig. 1, we can see that if the left area $\Delta a_1 p a_2 + \square a_2 p q c$ is equal to the right area $\square c q r a_3 + \Delta a_3 r a_4$, then

$$(1)(a_2 - a_1)/2 + (c - a_2)(1) = (a_3 - c)(1) + (1)(a_4 - a_3)/2 \Rightarrow c = (a_1 + a_2 + a_3 + a_4)/4.$$

Therefore, we obtain the defuzzification value of the trapezoidal fuzzy number is $c = (a_1 + a_2 + a_3 + a_4)/4$.

نمودار غیر فازی سازی هر عدد فازی $\tilde{A} = (a_1, a_2, a_3, a_4)$

توضیح نمودار غیر فازی سازی هر عدد فازی:

برای فازی زدایی عدد فازی ذوزنقه‌ای، مقدار $c = \frac{(a_1 + a_2 + a_3 + a_4)}{4}$ می‌باشد که برای محاسبه آن کافی است مجموع مساحت‌های (مثلث $a_1 p a_2$ و مستطیل $a_2 p q c$) را با مجموع مساحت‌های (مثلث $a_3 r a_4$ و مستطیل $c q r a_3$) مساوی قرار دهیم که از رابطه زیر به دست خواهد آمد.

$$\frac{a_2 - a_1}{2} + c - a_2 = a_3 - c + \frac{a_4 - a_3}{2}$$

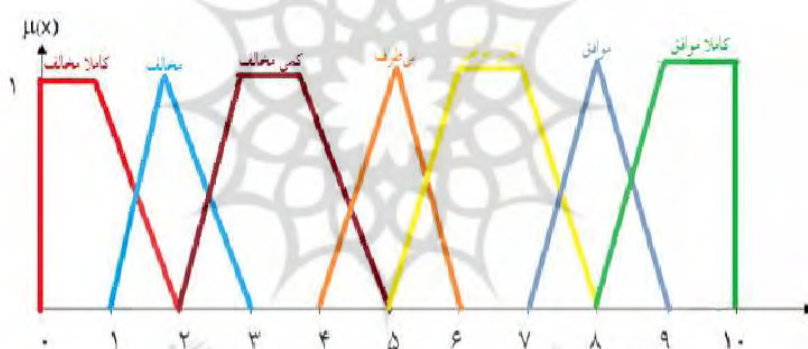
جامعه آماری پژوهش شامل دو جامعه آماری بود؛ یکی، خبرگان حوزه فازی که شامل متخصصان و کارشناسان در سه حوزه فلسفه، تعلیم و تربیت و فازی که سابقه تدریس، تألیف کتب و مقالات علمی داشته‌اند و دوم؛ طلاب سطح سه به بالا (به‌عنوان متخصص و خبره با دیدگاه‌های ائمه اطهار) حوزه علمیه سه شهر همدان، قم، ساری که تعداد کل آنها ۵۵۰۰۰ نفر بودند. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی از نوع نمونه‌گیری هدفمند بوده است که براساس معیار انتخاب اشباع نظری، تعداد ۲۰ نفر از خبرگان فازی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. در بخش کمی نیز روش تعیین

حجم نمونه براساس جدول جرسی-مورگان با توجه به شرایط این پژوهش تعداد ۷۰۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در بخش کمی از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای-طبقه‌ای نسبتی (تلفیقی) بود. نخست براساس هر شهر تعدادی از حوزه‌های علمیه هر شهر به روش خوشه‌ای انتخاب شدند و سپس با توجه به اینکه جامعه آماری ما از دو طبقه طلبه زن و مرد تشکیل شده بودند، به تفکیک ۸۵ نفر از شهر ساری (۵۰ نفر مرد و ۳۵ نفر زن) و ۸۵ نفر از شهر همدان (۵۰ نفر مرد و ۳۵ نفر زن) و ۵۳۰ نفر از شهر قم (۳۸۰ نفر مرد و ۱۵۰ نفر زن) انتخاب شدند که تعداد کل آنها به ۷۰۰ نفر (۴۸۰ نفر مرد و ۲۲۰ نفر زن) رسید.

شهر	جنسیت		سطح	
	مرد	زن	سطح ۳	سطح ۴
ساری	۵۰	۳۵	۸۵	۰
همدان	۵۰	۳۵	۸۵	۰
قم	۳۸۰	۱۵۰	۴۱۸	۱۱۲
جمع	۴۸۰	۲۲۰	۵۸۸	۱۱۲

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش از نوع میدانی و کتابخانه‌ای بوده است. برای گردآوری اطلاعات در بخش کیفی از راه بررسی و مطالعه مبانی نظری رویکرد فازی و نیز مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان فازی استفاده شد. اطلاعات ارائه شده در مصاحبه با افراد در بازه زمانی سه ماهه و به صورت انفرادی جمع‌آوری شد. محور گفتگو و مصاحبه‌ها حول موضوعاتی همچون ویژگی‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های سبک تربیتی فازی انجام گردید. پس از انجام مصاحبه‌ها، متن مصاحبه‌های ضبط‌شده، پیاده‌سازی و دسته‌بندی شد. جمع‌آوری اطلاعات از افراد مصاحبه‌شونده تا جایی ادامه یافت که دیگر داده‌های قابل توجهی از مصاحبه‌ها در مورد موضوع مورد نظر به دست نمی‌آمد. براساس منابع و مبانی رویکرد فازی مؤلفه‌های سبک تربیتی فازی از جمله محبت، اطاعت، آزادی، نظم، کنترل، توانایی و وسع، استقلال، تأثیر متقابل، حدود وظایف، تشویق و تنبیه به دست آمد. سپس از بین این مؤلفه‌ها براساس نظر خبرگان فازی، مؤلفه‌های محبت، آزادی، کنترل، توانایی و وسع، تشویق و تنبیه انتخاب شدند. برای تطبیق و میزان همخوانی و ناهمخوانی سبک تربیتی فازی، با توجه به اینکه بیشتر پژوهشگران حوزه تربیت اسلامی همانند بناری (۱۳۹۴)، محمدی (۱۳۸۷)، شکوهی (۱۳۸۵)، مرزوقی (۱۳۸۶) درباره مؤلفه‌های تربیتی اشتراک نظر داشتند، از بین مؤلفه‌های مورد تأکید ائمه اطهار (علیهم‌السلام) مؤلفه‌هایی مانند محبت، آزادی، کنترل، توجه به توانایی و وسع، آزادی، تشویق و تنبیه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها در قسمت کمی از پرسشنامه محقق‌ساخته

سنجش سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی و فازی‌سازی داده‌ها استفاده شد. برای تهیه و تنظیم سؤالات پرسشنامه اولیه، ابتدا براساس مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای و داده‌های کیفی جمع‌آوری شده با نظر خبرگان، پیش‌نویس پرسشنامه محقق ساخته تهیه شد. در مرحله بعدی، محتوا پیش‌پردازش شده و از بین مؤلفه‌های مشخص شده، چون فراوانی موضوعی برخی از مؤلفه‌ها در مطالعات انجام شده پیشین بیشتر از بقیه مؤلفه‌ها بوده، نسبت به مؤلفه‌های دیگر اثرگذاری آنها بیشتر بود؛ بنابراین براساس نظر خبرگان مؤلفه‌های محبت، آزادی، کنترل، توانایی و وسع، تشویق و تنبیه و برای هر مؤلفه نیز سؤالاتی انتخاب شد (این پرسشنامه به ۷۰۰ نفر طلاب حوزه علمیه سطح سه به بالا داده شد و میزان همخوانی و ناهمخوانی این سبک تربیتی فازی با سبک تربیتی ائمه اطهار علیهم‌السلام سنجیده شد). پرسشنامه براساس مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالف، مخالف، کمی مخالف، بی طرف، کمی موافق، موافق، کاملاً موافق) ساخته و تنظیم شد؛ بنابراین گزینه کاملاً مخالف طیف (۰-۲)، گزینه مخالف طیف (۱-۳)، گزینه کمی مخالف طیف (۲-۵)، گزینه بی طرف طیف (۴-۶)، گزینه کمی موافق طیف (۵-۸)، گزینه موافق طیف (۷-۹) و گزینه کاملاً موافق طیف (۸-۱۰) را در بر می‌گیرد.



تعریف متغیرهای زبانی براساس اعداد فازی جهت رتبه‌بندی

جدول متغیرهای زبانی

	α_1	α_2	α_3	α_4
کاملاً مخالف	۰	۰	۱	۲
مخالف	۱	۲	۲	۳
کمی مخالف	۲	۳	۴	۵
بی طرف	۴	۵	۵	۶
کمی موافق	۵	۶	۷	۸
موافق	۷	۸	۸	۹
کاملاً موافق	۸	۹	۱۰	۱۰

به ترتیب سؤالات ۱ تا ۷ پرسشنامه، مؤلفه محبت، سؤالات ۸ تا ۱۱ مؤلفه آزادی، سؤالات ۱۲ تا ۱۶ مؤلفه کنترل، سؤالات ۱۷ تا ۲۱ مؤلفه توانایی و وسع، سؤالات ۲۲ تا ۲۵ مؤلفه تشویق و سؤالات ۲۶ تا ۳۲ پرسشنامه مؤلفه تنبیه را می‌سنجد. برای سنجش روایی پرسشنامه محقق ساخته سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی، از روش سنجش روایی محتوایی و برای پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که مقدار آن ۰/۸۲٪ محاسبه شد.

در قسمت تحلیل داده‌ها، برای تحلیل مؤلفه‌های سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی، داده‌های به دست آمده از مصاحبه با خبرگان فازی، از راه کدگذاری‌های باز، مقوله‌ای و گزینشی استخراج و مشخص شد، سپس تحلیل داده‌ها با روش تحلیل تفسیری و براساس روش ولکات در سه مرحله توصیف، تحلیل و تفسیر، نتایج بیان شد. در قسمت کمی در تحلیل میزان همخوانی و ناهمخوانی داده‌ها، از شاخص‌های آمار توصیفی (مانند میانگین، نمودار، درصد) و روش تحلیل فازی ذوزنقه‌ای استفاده گردید؛ در این روش تحلیل، نخست نام متغیرهای زبانی تعیین و سپس ارزش‌های کمی آن مشخص شد. در ادامه نیز درجه عضویت در بازه (۰-۱۰) و در آخر نقاط گسست یا حالات کیفی تعیین گردید.

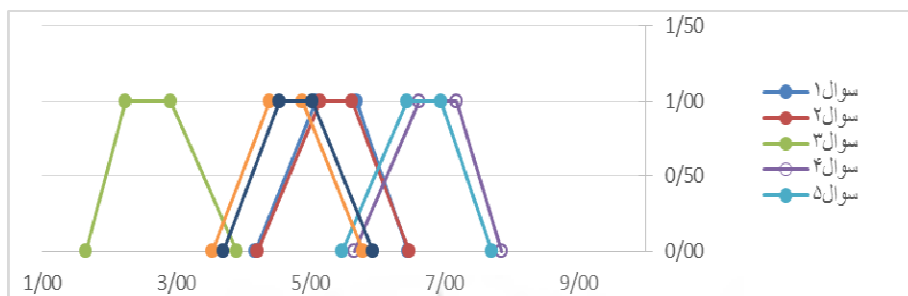
یافته‌ها

۱. تحلیل میزان همخوانی و ناهمخوانی مؤلفه محبت در سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی براساس دیدگاه ائمه اطهار (علیهم‌السلام):

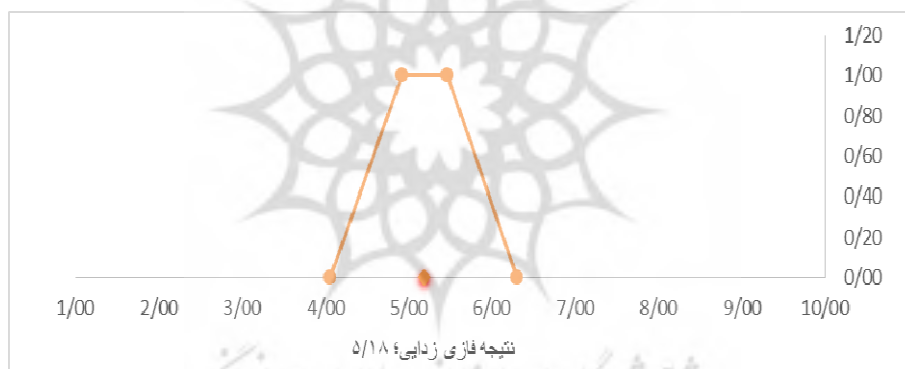
میانگین فازی‌زدایی شده	میانگین فازی پاسخ‌ها (a_1, a_2, a_3, a_4)				اثر گویه بر مؤلفه	سؤالات
	a_1	a_2	a_3	a_4		
۵/۳۵	۴/۱۸	۵/۰۸	۵/۶۹	۶/۴۶	-	سؤال ۱
۵/۳۶	۴/۲۲	۵/۱۵	۵/۶۲	۶/۴۷	-	سؤال ۲
۲/۶۸	۱/۶۵	۲/۲۵	۲/۹۲	۳/۹۱	-	سؤال ۳
۶/۸۳	۵/۶۵	۶/۶۲	۷/۱۸	۷/۸۶	+	سؤال ۴
۶/۶۴	۵/۴۷	۶/۴۵	۶/۹۵	۷/۷۱	-	سؤال ۵
۴/۶۵	۳/۵۴	۴/۴۰	۴/۸۸	۵/۷۹	+	سؤال ۶
۴/۸۰	۳/۷۰	۴/۵۴	۵/۰۴	۵/۹۴	+	سؤال ۷
۵/۱۸	۴/۰۵	۴/۹۲	۵/۴۶	۶/۳۰		اثر محبت چگونه است؟

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۱ در هفت سؤال اول پرسشنامه مربوط به مؤلفه محبت در طیف فازی در مجموع از بین اعداد ۰ تا ۱۰ در a_1 عدد معادل با ۴/۰۵ در a_2 عدد معادل با ۴/۹۲ در a_3 عدد معادل با ۵/۴۶ و در a_4 عدد معادل با ۶/۳۰ و مجموع میانگین فازی‌زدایی نیز

عدد ۵/۱۸ به دست آمد. نمودار هفت سؤال زیر در شکل ۳ آمده است و میانگین حاصل از این هفت سؤال؛ به بیانی دیگر اثر آن بر مؤلفه در بازه ۴/۰۵ تا ۶/۳۰ قرار دارد که با فازی‌زدایی از آن عدد ۵/۱۸ به دست آمده است که نشان می‌دهد طلاب مشارکت‌کننده به‌طور میانگین با این جمله که اثر محبت چگونه است، بی‌طرف و تا حدودی موافق بوده‌اند.



نمودار ۱: نمودار متغیر زبانی پاسخگویان بر مؤلفه محبت در سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی براساس دیدگاه ائمه اطهار

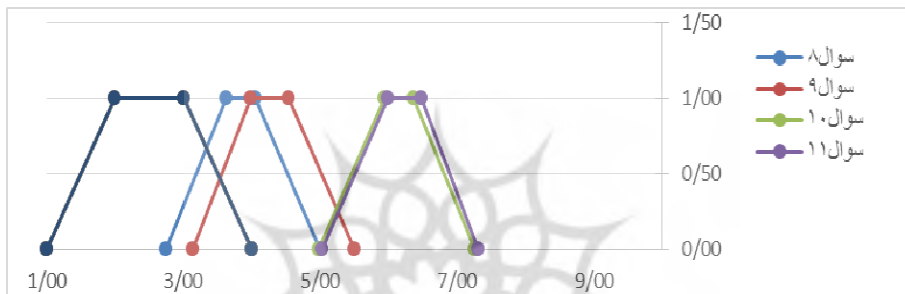


نمودار ۱: نمودار فازی‌زدایی تجمیع پاسخ‌های مرتبط با مؤلفه محبت

۲. تحلیل میزان همخوانی و ناهمخوانی مؤلفه آزادی در سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی براساس دیدگاه ائمه اطهار؛

میانگین فازی زدایی شده	میانگین فازی پاسخ‌ها ($\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3, \alpha_4$)				اثر گویه بر مؤلفه	سؤالات
	α_1	α_2	α_3	α_4		
۳/۸۵	۲/۷۵	۳/۶۲	۴/۰۴	۴/۹۹	-	سؤال ۸
۴/۲۹	۳/۱۳	۳/۹۹	۴/۵۴	۵/۴۹	+	سؤال ۹
۶/۱۳	۴/۹۷	۵/۹۳	۶/۳۶	۷/۲۵	+	سؤال ۱۰
۶/۲۰	۵/۰۳	۵/۹۸	۶/۴۷	۷/۳۱	+	سؤال ۱۱
۵/۱۱	۳/۹۷	۴/۸۸	۵/۳۵	۶/۲۶		اثر آزادی چگونه است؟

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۲ در سؤالات ۸-۱۱ پرسشنامه مربوط به مؤلفه آزادی در طیف فازی در مجموع از بین اعداد ۰ تا ۱۰ در A_1 عدد معادل با $3/97$ در A_2 عدد معادل با $4/88$ در A_3 عدد معادل با $5/35$ و در A_4 عدد معادل با $6/26$ و مجموع میانگین فازی زدایی نیز عدد $5/11$ به دست آمد. نمودار چهار سؤال زیر در شکل ۳ آمده است و میانگین حاصل از این چهار سؤال؛ به عبارت دیگر، اثر آن بر مؤلفه در بازه $3/97$ تا $6/26$ قرار دارد که با فازی زدایی از آن عدد $5/11$ به دست آمده است که نشان می‌دهد مشارکت‌کنندگان به‌طور میانگین با این جمله که اثر آزادی چگونه است، بی‌طرف و تا حدودی موافق بوده‌اند.



نمودار ۲: نمودار متغیر زبانی پاسخگویان بر مؤلفه آزادی در سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی براساس دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام

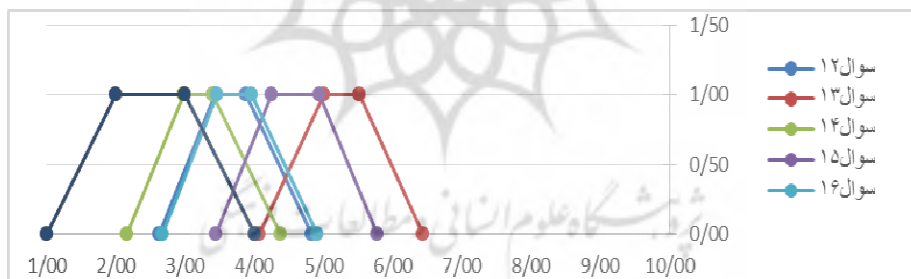


نمودار ۲: نمودار فازی زداییِ تجمیع پاسخ‌های مرتبط با مؤلفه آزادی

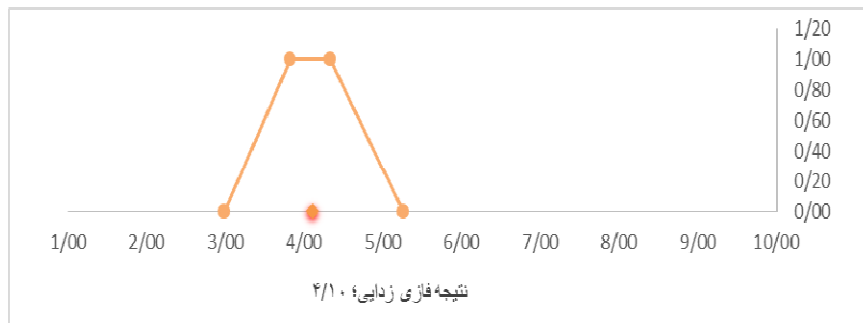
۳. تحلیل میزان همخوانی و ناهمخوانی مؤلفه کنترل در سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی براساس دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام؛

میانگین فازی زدایی شده	میانگین فازی پاسخها (a_1, a_2, a_3, a_4)				اثر گویه بر مؤلفه	سوالات
	a_1	a_2	a_3	a_4		
۳/۶۹	۲/۶۳	۳/۴۳	۳/۸۸	۴/۸۲	-	سؤال ۱۲
۵/۲۶	۴/۰۷	۵/۰۰	۵/۵۲	۶/۴۴	+	سؤال ۱۳
۳/۲۲	۲/۱۶	۲/۹۷	۳/۳۹	۴/۳۷	-	سؤال ۱۴
۴/۶	۳/۴۵	۴/۲۴	۴/۹۳	۵/۷۸	-	سؤال ۱۵
۳/۷۵	۲/۶۷	۳/۴۶	۳/۹۶	۴/۹۱	-	سؤال ۱۶
۴/۱۰	۲/۹۹	۳/۸۲	۴/۳۳	۵/۲۶		اثر کنترل چگونه است؟

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۳ در سوالات ۱۲-۱۶ پرسشنامه مربوط به مؤلفه کنترل در طیف فازی در مجموع از بین اعداد ۰ تا ۱۰ در a_1 عدد معادل با ۲/۹۹ در a_2 عدد معادل با ۳/۸۲ در a_3 عدد معادل با ۴/۳۳ و در a_4 عدد معادل با ۵/۲۶ و مجموع میانگین فازی زدایی نیز عدد ۴/۱۰ به دست آمد. نمودار پنج سؤال زیر در شکل ۳ آمده است و میانگین حاصل از این پنج سؤال؛ به بیانی دیگر، اثر آن بر مؤلفه در بازه ۲/۹۹ تا ۵/۲۶ قرار دارد که با فازی زدایی از آن عدد ۴/۱۰ به دست آمده است که نشان می‌دهد مشارکت کنندگان به طور میانگین با این جمله که اثر کنترل چگونه است، بی طرف و تا حدودی کمی مخالف بوده‌اند.



نمودار ۳: نمودار متغیر زبانی پاسخگویان بر مؤلفه کنترل در سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی برای براساس دیدگاه ائمه اطهار

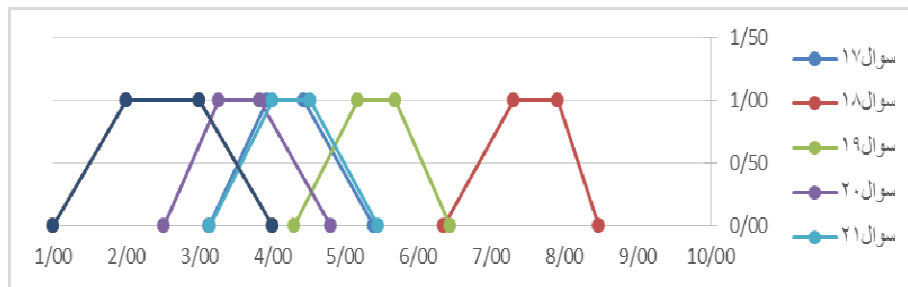


نمودار ۳: نمودار فازی زدایی تجمیع پاسخ‌های مرتبط با مؤلفه کنترل

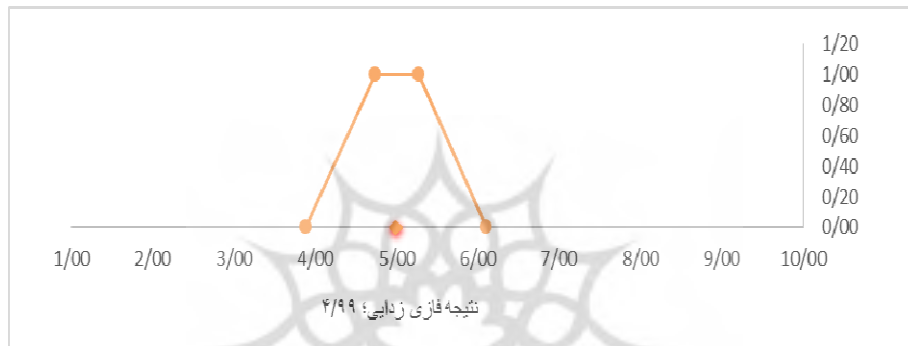
۴. تحلیل میزان همخوانی و ناهمخوانی مؤلفه توانایی و وسع در سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی براساس دیدگاه ائمه اطهار (علیهم‌السلام)؛

میانگین فازی زدایی شده	میانگین فازی پاسخ‌ها (a_1, a_2, a_3, a_4)				اثر گویه بر مؤلفه	سؤالات
	a_1	a_2	a_3	a_4		
۴/۲۱	۳/۱۳	۳/۹۲	۴/۴۳	۵/۳۸	-	سؤال ۱۷
۷/۵۰	۶/۳۴	۷/۳۰	۷/۹۰	۸/۴۷	+	سؤال ۱۸
۵/۳۹	۴/۲۹	۵/۱۷	۵/۶۸	۶/۴۳	-	سؤال ۱۹
۳/۵۹	۲/۵۲	۳/۲۶	۳/۸۲	۴/۷۹	-	سؤال ۲۰
۴/۲۷	۳/۱۵	۴	۴/۵۲	۵/۴۴	-	سؤال ۲۱
۴/۹۹	۳/۸۸	۴/۷۳	۵/۲۷	۶/۱۰		اثر توانایی و وسع چگونه است؟

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۴ در سؤالات ۱۷-۲۱ پرسشنامه مربوط به مؤلفه توانایی و وسع در طیف فازی در مجموع از بین اعداد ۰ تا ۱۰ در a_1 عدد معادل با ۳/۸۸ در a_2 عدد معادل با ۴/۷۳ در a_3 عدد معادل با ۵/۲۷ و در a_4 عدد معادل با ۶/۱۰ و مجموع میانگین فازی زدایی نیز عدد ۴/۹۹ به دست آمد. نمودار پنج سؤال زیر در شکل ۳ آمده است و میانگین حاصل از این پنج سؤال؛ به عبارت دیگر، اثر آن بر مؤلفه در بازه ۳/۸۸ تا ۶/۱۰ قرار دارد که با فازی زدایی از آن عدد ۴/۹۹ به دست آمده است که نشان می‌دهد مشارکت‌کنندگان به‌طور میانگین با این جمله که اثر توانایی و وسع چگونه است، بی‌طرف و تا حدودی کمی موافق بوده‌اند.



نمودار ۴: نمودار متغیر زبانی پاسخگویان بر مؤلفه توانایی و وسیع در سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی براساس دیدگاه ائمه اطهار



نمودار ۴: نمودار فازی زدایی تجمیع پاسخ‌های مرتبط با مؤلفه توانایی و وسیع

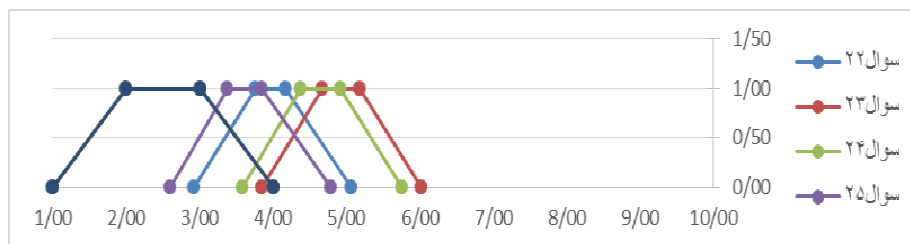
۵. تحلیل میزان همخوانی و ناهمخوانی مؤلفه تشویق در سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی

براساس دیدگاه ائمه اطهار:

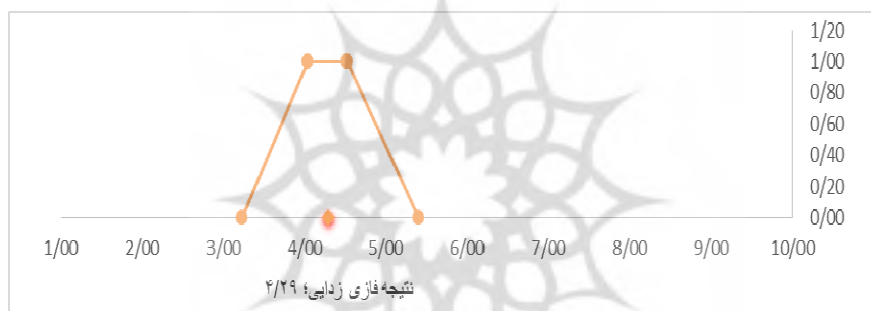
میانگین فازی زدایی شده	میانگین فازی پاسخ‌ها (a_1, a_2, a_3, a_4)				اثر گوینه بر مؤلفه	سؤالات
	a_1	a_2	a_3	a_4		
۳/۹۷	۲/۹۲	۳/۷۵	۴/۱۷	۵/۰۶	-	سؤال ۲۲
۴/۹۲	۳/۸۵	۴/۶۶	۵/۱۸	۶/۰۱	+	سؤال ۲۳
۴/۶۵	۳/۵۸	۴/۳۷	۴/۹۲	۵/۷۵	-	سؤال ۲۴
۳/۶۵	۲/۵۹	۳/۳۸	۳/۸۴	۴/۷۹	-	سؤال ۲۵
۴/۲۹	۳/۲۳	۴/۰۴	۴/۵۲	۵/۴۰		اثر تشویق چگونه است؟

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۵ در سؤالات ۲۲-۲۵ پرسشنامه مربوط به مؤلفه تشویق در طیف فازی در مجموع از بین اعداد ۰ تا ۱۰ در a_1 عدد معادل با a_2 عدد معادل با a_3 عدد معادل با a_4 عدد معادل با a_4 عدد معادل با a_4 و در a_4 عدد معادل با a_4 و مجموع میانگین فازی زدایی نیز عدد $4/29$ به دست آمد. نمودار چهار سؤال زیر در شکل ۳ آمده است و میانگین حاصل از این

چهار سؤال؛ به عبارت دیگر، اثر آن بر مؤلفه در بازه ۳/۲۳ تا ۵/۴۰ قرار دارد که با فازی‌زدایی از آن عدد ۴/۲۹ به دست آمده است که نشان می‌دهد مشارکت‌کنندگان به‌طور میانگین با این جمله که اثر تشویق چگونه است، بی‌طرف و تا حدودی کمی موافق بوده‌اند.



نمودار ۵: نمودار متغیر زبانی پاسخگویان بر مؤلفه تشویق در سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی براساس دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام

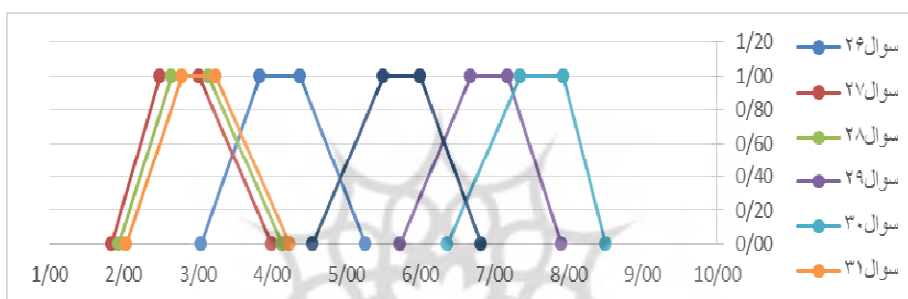


نمودار ۵: نمودار فازی‌زداییِ تجمیع پاسخ‌های مرتبط با مؤلفه تشویق

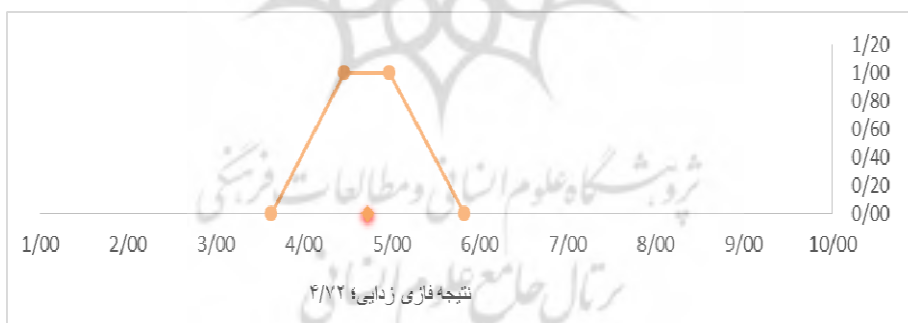
۶. تحلیل میزان همخوانی و ناهمخوانی مؤلفه تنبیه در سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی براساس دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام.

میانگین فازی‌زدایی شده	میانگین فازی پاسخ‌ها (a_1, a_2, a_3, a_4)				اثر گویه بر مؤلفه	سوالات
	a_1	a_2	a_3	a_4		
۴/۱۲	۳/۰۴	۳/۸۴	۴/۳۷	۵/۲۶	-	سؤال ۲۶
۲/۸۳	۱/۸۳	۲/۴۹	۳/۰۱	۳/۹۹	-	سؤال ۲۷
۲/۹۶	۱/۹۳	۲/۶۴	۳/۱۴	۴/۱۴	-	سؤال ۲۸
۶/۸۷	۵/۷۲	۶/۶۷	۷/۱۷	۷/۹۰	+	سؤال ۲۹
۷/۵۳	۶/۳۶	۷/۳۵	۷/۹۳	۸/۵۰	+	سؤال ۳۰
۳/۰۷	۲/۰۳	۲/۷۸	۳/۲۴	۴/۲۳	-	سؤال ۳۱
۵/۷۰	۴/۵۴	۵/۵۰	۵/۹۹	۶/۷۸	+	سؤال ۳۲
۴/۷۲	۳/۶۳	۴/۴۶	۴/۹۷	۵/۸۲		اثر تنبیه چگونه است؟

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۶ در سؤالات ۲۶-۳۲ مربوط به مؤلفه تنبیه در طیف فازی در مجموع از بین اعداد ۰ تا ۱۰ در A_1 عدد معادل با $3/63$ در A_2 عدد معادل با $4/46$ در A_3 عدد معادل با $4/97$ و در A_4 عدد معادل با $5/82$ و مجموع میانگین فازی زدایی نیز عدد $4/72$ به دست آمد. نمودار هفت سؤال زیر در شکل ۳ آمده است و میانگین حاصل از این هفت سؤال؛ به سخن دیگر، اثر آن بر مؤلفه در بازه $3/63$ تا $5/82$ قرار دارد که با فازی زدایی از آن عدد $4/72$ به دست آمده است که نشان می‌دهد مشارکت‌کنندگان به طور میانگین با این جمله که اثر تنبیه چگونه است، بی طرف و تا حدودی کمی موافق بوده‌اند.



نمودار ۶: نمودار متغیر زبانی پاسخگویان بر مؤلفه تنبیه در سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی براساس دیدگاه ائمه اطهار



نمودار ۶: نمودار فازی زدایی تجمیع پاسخ‌های مرتبط با مؤلفه تنبیه

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج مختلف رفتار والدین در برخورد با فرزندان، بیانگر اهمیت مطالعه الگوها و سبک‌های رفتاری و تربیتی والدین می‌باشد. خانواده و سبک‌های تربیتی از مهم‌ترین عوامل در رشد روانی-اجتماعی فرزندان هستند. براساس دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام محبت دارای حدودی است که حدود مؤلفه محبت، تناسب آن می‌باشد؛ بنابراین نه محبت زیاد و نه محبت کم، بلکه محبت بجا مد نظر

است. این نتایج با نتایج قسمت فازی در مؤلفه محبت که حد پایین آن ۴/۰۵ و حد بالای آن ۶/۳۰ و میانگین فازی‌زدایی شده آن نیز ۵/۱۸ است، نشانگر یک طیف است. پس می‌توان گفت که در این مؤلفه، بین دیدگاه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی تا حدودی سازگاری و موافقت و نظر نسبتاً بی‌طرف وجود دارد. یکی از ویژگی‌های تربیتی از دیدگاه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) عامل محبت است که با توسل به این روش، فرزندان کمتر به ناهنجاری‌های جامعه تن می‌دهند. سبک مقتدرانه، موفق‌ترین سبک تربیتی شناخته‌شده و نزدیک‌ترین روش تربیتی به دیدگاه ائمه معرفی شده است؛ اما بین سبک تربیتی مقتدرانه و دیدگاه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) تفاوت‌هایی وجود دارد. نتایج پژوهش‌ها نشان داد که استفاده از سبک تربیتی مقتدرانه سبب بروز اختلال پیش‌فعالی، نقص توجه و اختلال اضطراب جدایی (کلاتتری و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۶۵)، بروز خشم و پرخاشگری کلامی و ایجاد خصومت در فرزندان (آهنگرانزایی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶)، فقدان میزان سازگاری اجتماعی، مهارت اجتماعی کم و رفتارهای غیراجتماعی (خانجانی و محمودزاده، ۱۳۹۲، ص ۴۶)، پرخاشگری و رفتارهای تکانشی در فرزندان می‌شود. براساس دیدگاه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) آزادی دارای حدودی است که حدود آن، تناسب آن می‌باشد؛ بنابراین نه آزادی زیاد و نه آزادی کم، بلکه آزادی بجا مد نظر است. این یافته‌ها با نتایج قسمت فازی در مؤلفه آزادی که حد پایین آن ۲/۹۹ و حد بالای آن ۵/۲۶ و میانگین فازی‌زدایی شده آن نیز ۴/۱۰ است، نشانگر یک طیف می‌باشد. پس می‌توان گفت که در این مؤلفه، بین دیدگاه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی تا حدودی، کمی بی‌طرفی و نسبتاً مخالفت وجود دارد. ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نیز به مؤلفه آزادی توجه داشته و هفت سال اول زندگی فرزندان را دوره آزادی آنان در نظر گرفته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۶۵). اهل بیت (علیهم‌السلام) بردباری و فزونی عقل در بزرگسالی را در گرو آزادی متعادل فرزندان دانسته (ابن‌حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۹۴)، معتقدند که باید به فرزندان فرصت تجربه‌های متفاوت را داد و از تحمیل اعمال بر آنان خودداری کرد. البته آزادی مورد نظر ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، آزادی مطلق نیست که سبب به خطر افتادن منافع دیگران باشد. در برخی از سبک‌های تربیتی همچون سبک تربیتی سهل‌گیرانه، تمایلات و خواسته‌های فرزندان اهمیت زیادی داشته، آزادی مطلق برای فرزندان برای دستیابی به آنچه بخواهند وجود دارد. آزادی برای فرزندان تا آنجاست که والدین نظارت و کنترلی بر رفتار و اعمال آنان ندارند و در تشویق و تنبیه جدی نیستند؛ اما در سبک تربیتی اسلام مسئله افراط و تفریط مراعات شده، والدین به فرزندان اجازه انجام هر کاری را بدون مراقبت و نظارت نمی‌دهند. براساس دیدگاه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) کنترل، دارای حدودی است که حدود این مؤلفه، تناسب آن می‌باشد؛ بنابراین نه کنترل زیاد و نه کم، بلکه کنترل به‌موقع و

مناسب مد نظر است. این یافته‌ها با نتایج قسمت فازی در مؤلفه کنترل که حد پایین آن ۳/۹۷ و حد بالای آن ۶/۲۶ و میانگین فازی‌زدایی شده آن نیز ۵/۱۱ است، نشانگر یک طیف می‌باشد. پس می‌توان گفت که در این مؤلفه، بین دیدگاه ائمه اطهار و سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی تا حدودی سازگاری و نظر نسبتاً موافق وجود دارد. ائمه اطهار همواره درباره تأثیر عوامل منفی هشدار داده، در مراحل مختلف سنی و بلکه سال‌های پیش از تولد نیز بر مؤلفه کنترل اهتمام ویژه داشتند (نهج البلاغه، نامه ۳۱). حتی سبک فرزندپروری مقتدرانه نیز با کنترل و پذیرش زیاد والدین مشخص می‌شود؛ در صورتی که در سبک تربیتی ائمه اطهار کنترل و پاسخ‌دهی متناسب، متعادل و به دور از افراط و تفریط مشخص می‌شود (طبرسی، ۱۴۱۸، ص ۲۱۹). ائمه اطهار در سبک تربیتی خود، خداوند را حاضر و ناظر بر عملکرد فرزندان می‌دانند. در سبک‌های تربیتی رایج، هدف، کنترل کودکان است، اما بنابر دیدگاه ائمه اطهار، هدف از سبک تربیتی، رشد و تحول همه‌جانبه فرزندان در راستای اهداف متعالی می‌باشد. در این شیوه تلاش والدین برای شکوفاسازی فطرت، فضیلت‌خواهانه است. در سبک مقتدرانه که نزدیک‌ترین سبک به سبک تربیتی اسلام است، والدین آماده اعمال کنترل مستقیم بر فرزندانشان هستند و به تسلیم شدن در مقابل رفتارهای ناخوشایندی مانند جیغ زدن و ریخت‌وپاش تمایلی ندارند (بامریند، ۱۹۹۱، ص ۷۱)؛ اما از دیدگاه ائمه اطهار نظارت باید منطقی و حتی‌الامکان غیرمستقیم و بجا باشد و بر نادیده گرفتن خطاهای کوچک، پذیرش فرزند به هنگام خطا، عفو و مهرورزی توصیه شده است. پاسخ‌دهی و کنترل در دیدگاه ائمه اطهار بر محور تعادل و بهترین نوع پاسخ‌دهی نیز محبت می‌باشد. کنترل زیاد والدین در برخی از سبک‌های تربیتی برای یکپارچه‌سازی و جذب فرزندان در خانواده است، اما در سبک تربیتی ائمه اطهار، پاسخ‌دهی و کنترل به موقع برای رشد معنوی و اخلاقی است و کنترل والدین برای رشد اخلاق انسانی و تحولات شناختی و عاطفی می‌باشد. براساس دیدگاه ائمه اطهار توانایی و وسع دارای حدودی است که حدود این مؤلفه، تناسب آن می‌باشد؛ پس نه دادن تکالیف و وظایف بیش از اندازه و خارج از توان به کودک و نه واگذاری تکالیف کم، بلکه دادن تکالیف و وظایف بجا و متناسب در حد توان مد نظر است. این یافته‌ها با نتایج قسمت فازی در مؤلفه توانایی و وسع که حد پایین آن ۳/۸۸ و حد بالای آن ۶/۱۰ و میانگین فازی‌زدایی شده آن نیز ۴/۹۹ است، نشانگر یک طیف می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت که در این مؤلفه، بین دیدگاه ائمه اطهار و سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی تا حدودی بی‌طرفی وجود دارد. طبق سیره ائمه اطهار حتی در مسائل دینی و عبادی نیز والدین باید طوری رفتار کنند که انجام وظایف و عبادات برای فرزندان سخت و خارج از توانایی و وسع آنان نبوده، توقع رفتارهای

خارج از حد توان بر آنان تحمیل نشود و والدین متناسب با موقعیت و توان فرزندان با آنان رفتار کنند (حر عاملی، ۱۳۶۷، ص ۲۶۳).

در دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام والدین نسبت به فرزندان مهربان بوده، انتظارات بیش از توان آنها ندارند و آنچه را که فرزندان در توان دارند و انجام می‌دهند، از وی می‌پذیرند و کارهای بیش از توانشان را نمی‌خواهند و آنها را به سمت گناه و کارهای ناشایسته وادار نمی‌کنند (همان، ج ۱۵، ص ۱۹۹). براساس دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام تشویق دارای حدودی است که حدود مؤلفه تشویق، تناسب آن می‌باشد؛ پس نه تشویق و دادن پاداش زیاد و نه تشویق کم، بلکه تشویق و تمجید معقول و بجا مد نظر است. این یافته‌ها با نتایج قسمت فازی در مؤلفه تشویق که حد پایین آن ۳/۲۳ و حد بالای آن ۵/۴۰ و میانگین فازی‌زدایی شده آن نیز ۴/۲۹ است، نشانگر یک طیف می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت که در این مؤلفه، بین دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام و سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی تا حدودی، کمی مخالف، بی‌طرفی و کمی موافق وجود دارد. ائمه اطهار علیهم‌السلام به تقدم عفو و تشویق بر تنبیه و مجازات مبادرت ورزیده (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۵۸) و بر تعریف و تمجید بجا از کودکان (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸، ص ۲۴)، عکس‌العمل مناسب و محبت‌آمیز پس از انجام کار خوب (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۴۳۶)، تمجید و وصف معقول فرزندان، اولویت کار همراه با تشویق و مدارا، تأثیر تشویق و پاداش بر عملکرد کودکان، ستایش کارهای خوب و مهم آنها و جلوگیری از فساد و بدی به وسیله تشویق و پاداش (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰) تأکید دارند. والدین در سبک مقتدرانه در تعاملات خود با فرزندان، از تشویق و تقویت مثبت برای هدایت رفتار استفاده می‌کنند، اما بازخواست و تنبیه را نیز برای کودکان به کار می‌برند؛ درحالی‌که در دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام والدین حتی المقدور از قهر و خشونت همراه با تنبیه بدنی طولانی مدت پرهیز و بر تقدم عفو و پاداش بر تنبیه تأکید می‌کنند (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۸، ص ۵۸). براساس دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام تنبیه دارای حدودی است که حدود این مؤلفه، تناسب آن می‌باشد؛ بنابراین نه زیاده‌روی در تنبیه و تأدیب و نه تنبیه کم، بلکه توجه به تنبیه متناسب، به اندازه جرم و بجا مد نظر است. این یافته‌ها با نتایج قسمت فازی در مؤلفه تنبیه که حد پایین آن ۳/۶۳ و حد بالای آن ۵/۸۲ و میانگین فازی‌زدایی شده آن نیز ۴/۷۲ است، نشانگر یک طیف می‌باشد؛ پس می‌توان گفت که در این مؤلفه، بین دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام و سبک تربیتی مبتنی بر رویکرد فازی تا حدودی بی‌طرفی وجود دارد. بنابر دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام، تنبیه و سرزنش کردن، میزان لجاجت در کودکان را بیشتر می‌کند (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۸۴)، پس والدین در تعامل با فرزندان، آنها را تنبیه بدنی نمی‌کنند و از قهر و به‌کارگیری تنبیه‌های سخت و طولانی مدت پرهیز می‌کنند (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۸، ص ۵۸).

حتی در سبک مقتدرانه نیز والدین در برابر کارهای فرزندان، آنها را مورد بازخواست و تنبیه در موقعیت‌های تشخیصی قرار می‌دهند؛ اما در دیدگاه ائمه اطهار اگر والدین از فرزندان ناراحت شوند، واکنش نامناسب نشان نمی‌دهند، زیرا در این دیدگاه اگر فرزندان در مقابل هر خطایی با سرزنش و تنبیه والدین روبه‌رو شوند، احساس مجرم بودن به آنها دست می‌دهد؛ پس در تربیت فرزندان نباید از کارهای آنها و آنچه انجام می‌دهند، عیب‌جویی کرد و آنها را مورد سرزنش قرار داد. همچنین در برخی از سبک‌ها همانند سبک تربیتی مقتدرانه، والدین در صورت لزوم از بازخواست و تنبیه استفاده می‌کنند؛ در صورتی که در دیدگاه تربیتی ائمه اطهار، تنبیه در آخرین مرحله قرار گرفته (المیثمی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۱۰۶) و نیز به اینکه تنبیه بدنی در چه قسمت‌هایی از بدن اجرا نشود، توصیه شده است (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۹، ص ۵۸۱)؛ بنابراین طبق دیدگاه ائمه اطهار، احترام گذاشتن به فرزند، حفظ شخصیت فردی و اجتماعی، حفظ روحیه استقلال و اعتماد به نفس او نزد همسالان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این دیدگاه، استفاده از تنبیه و روش‌های خشن با خصلت‌های نیکو منافات دارد.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های پژوهش و دیدگاه ائمه اطهار که خانواده، بستری مناسب برای شکل دادن به شخصیت و رشد و رفاه اجتماعی است و سبک‌های تربیتی مناسب در سلامت جسمی و روانی و تثبیت خصوصیات اخلاقی آنها مؤثر است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که بر افزایش آگاهی استفاده از عوامل محیطی به شکل مطلوب، حذف اعمال نامناسب، ایجاد و رشد عزت نفس، روحیه استقلال و قدرت آفرینندگی، همکاری و هم‌فکری با دوستان و همسالان خود، پذیرش اختلاف عقاید و خویشتن‌داری تأکید شود. با توجه به اینکه سبک مقتدرانه، موفق‌ترین روش تربیتی و نزدیک‌ترین سبک تربیتی به سبک تربیتی ائمه اطهار معرفی شده، اما براساس رویکرد فازی می‌توان دو قطبی بودن را از معایب این سبک برشمرد و حتی پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد که استفاده والدین از این سبک سبب بروز اختلال پیش‌فعالی و نقص توجه و اختلال اضطراب جدایی در کودکان شده است.

در دو مؤلفه محبت و کنترل پیشنهاد می‌شود که مر بیان تربیتی و به‌ویژه والدین در مورد مسائل تربیتی فرزندان، به صورت دو قطبی عمل نمایند، بلکه با توجه به موقعیت و به صورت طیفی عمل کنند. آزادی از دیدگاه ائمه اطهار نیز براساس حدیث سبع سنین به سه دوره تقسیم می‌شود که در هفت سال اول آزادی کامل کودک و در دو دوره بعدی، آزادی همراه با تکلیف مطرح می‌شود. بر

این اساس به مربیان و والدین پیشنهاد می‌شود که به فرزندان آزادی بیش از اندازه ندهند که زمینه‌ساز سرکشی و طغیان آنها می‌شود، به فرزندان فرصت تجربه‌های متفاوت را داده، از تحمیل اعمال بر آنان خودداری کنند. براساس دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام توانایی و وسع دارای حدودی است که حدود این مؤلفه، تناسب آن می‌باشد؛ پس نه دادن تکالیف و وظایف بیش از اندازه و خارج از توان به کودک و نه واگذاری تکالیف کم، بلکه دادن تکالیف و وظایف بجا و متناسب در حد توان، به مربیان تربیتی و والدین پیشنهاد می‌شود. سبک تربیتی مقتدرانه، اقتدار را همراه با نوعی ترس به فرزندان خود منتقل می‌کند، اما بنابر دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام مربیان تربیتی و والدین با توجه به سن کودک، تکلیف، زمان و مکان، توانایی، عمل و موقعیت با او رفتار کنند؛ چه بسا اینکه در موقعیتی، تنبیه کودک عین محبت قلمداد می‌شود. در مؤلفه تنبیه پیشنهاد می‌شود مربیان و والدین در روش‌های تربیتی خود، از تنبیه سخت، قهر طولانی مدت و خشونت‌های بیجا، استفاده نکنند و به جای آن، تشویق به جای تنبیه، واکنش مناسب، عدم عیب‌جویی و سرزنش جایگزین شود.

منابع

- * صحیفه سجادیه، ترجمه حسین انصاریان.
۱. نهج البلاغه، ترجمه علی دشتی.
 ۲. آهنگرانزایی، احد؛ پرویز شریفی درآمدی و رباب فرحزاده (۱۳۹۰)، «رابطه سبک‌های فرزندپروری با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر»، فصلنامه پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، س ۱، ش ۱، ص ۱-۸.
 ۳. ابن‌حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، ج ۲، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
 ۴. اکبری ورزنه، عباس؛ رخساره بادامی و مهدی نمازی‌زاده (۱۳۹۳)، «اثر سبک‌های شناختی بر یادگیری یک تکلیف هدف‌گیری در محیط باز و بسته بر مبنای منطق فازی و کلاسیک»، فصلنامه رشد و یادگیری حرکتی-ورزشی، دوره ۸، ش ۱، ص ۵۹-۷۷.
 ۵. بشارت، محمدعلی؛ سیده نعیمه هوشمند، سیدمحمدرضا رضازاده و مسعود غلامعلی لواسانی (۱۳۹۴)، «پیش‌بینی رضایت زناشویی فرزندان براساس سبک‌های فرزندپروری والدین»، فصلنامه رویش روان‌شناسی، س ۴، ش ۱۲، ص ۵۱-۶۰.
 ۶. بناری، علی همت (۱۳۹۴)، «اصول فرزندپروری در سبک زندگی اهل‌بیت (ع)»، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، س ۹، ش ۱۶، ص ۱۳۵-۱۵۲.
 ۷. تنهای‌رشوانلو، فرهاد و الهه حجازی (۱۳۸۸)، «ارتباط ادراک از سبک فرزندپروری والدین با انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی»، فصلنامه دانشور رفتار، س ۱۶، ش ۳۹، ص ۱-۱۴.
 ۸. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۶۷)، وسایل الشیعه، ج ۶، تهران: کتابفروشی اسلامیة (ع).
 ۹. حرانی، ابومحمد الحسن (۱۴۰۴)، تحف العقول، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی (ع).
 ۱۰. خانجانی، زینب و رقیه محمودزاده (۱۳۹۲)، «مقایسه شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری کودکان مادران شاغل و غیرشاغل»، فصلنامه زن و فرهنگ، س ۴، ش ۱۶، ص ۳۷-۵۲.
 ۱۱. ذباح، ایمان؛ سعید میرزاده و سمانه جعفری (۱۳۹۷)، «بهبود ارزشیابی اساتید با استفاده از منطق فازی»، فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، دوره ۲، س ۱۵، ش ۳۰، ص ۹۴-۱۱۳.

۱۲. ربانی اصفهانی، حوریه (۱۳۹۴)، «بررسی مقایسه‌ای تربیت و فرزندپروری از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام»، فصلنامه اخلاق، ش ۱۷، ص ۱۱۲-۱۳۷.
۱۳. رضایی، اکبر و شبنم خداخواه (۱۳۸۸)، «رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و باورهای معرفت‌شناختی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه»، فصلنامه علوم تربیتی، س ۲، ش ۵، ص ۱۱۷-۱۳۴.
۱۴. زارعیان، مریم و خدیجه سفیری (۱۳۹۰)، «علوم انسانی بومی بر مبنای منطق فازی»، فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی، س ۱۵، ش ۱، ص ۸۴-۸۶.
۱۵. سلحشوری، احمد و علی ایمان‌زاده (۱۳۹۰)، نگاهی به رویکردهای تحلیلی و فراتحلیلی در فلسفه تعلیم و تربیت، همدان: دانشگاه بوعلی سینا همدان.
۱۶. سلحشوری، احمد و معصومه خنکدار طارسی (۱۳۹۲)، «چالش‌ها و افق‌های نظریه پیچیدگی برای تربیت دینی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، س ۶، ش ۲۴، ص ۱۱۷-۱۳۹.
۱۷. شریفی، عنایت‌الله و مهرعلی لطفی قادیکلایی (۱۳۹۷)، «سبک تربیتی امام رضا (علیه السلام) در تربیت کودکان»، فصلنامه فرهنگ رضوی، س ۶، ش ۳، ص ۱۸۱-۲۱۱.
۱۸. شعبانی‌نیا، فریدون و زهرا تاج‌پیکر (۱۳۹۳)، منطق فازی در قرآن کریم، چ ۱، انتشارات: نوید شیراز.
۱۹. شفیع‌پور، سیده زهرا؛ علی شیخی، مهشید میرزایی و احسان کاظم‌نژاد لیلی (۱۳۹۴)، «سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان»، فصلنامه پرستاری و مامایی جامع‌نگر، س ۲۵، ش ۷۶، ص ۴۹-۵۶.
۲۰. شکوهی یکتا، محسن؛ اکرم پرند و علینقی فقیهی (۱۳۸۵)، «مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری»، دو فصلنامه تربیت اسلامی، ش ۳.
۲۱. صدقی‌پور، اقدس (۱۳۸۸)، «بررسی روش‌های تربیتی مستتر در آیات (قرآن کریم) و روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) و کاربرد آن در تعلیم و تربیت»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور واحد تهران.
۲۲. طبرسی، حسن ابن‌فضل (۱۴۱۸)، مکارم الاخلاق، بی‌تا: منشورات الشریف الرضی. رَحْمَهُمُ اللهُ
۲۳. قدسی، علی‌محمد و مرتضی قائمی (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی سبک‌های فرزندپروری با سبک فرزندپروری امام علی (علیه السلام) در نامه سی‌ویکم نهج‌البلاغه»، فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، س ۲، ش ۸، ص ۱-۲۰.
۲۴. قره‌داغی قهرمانلو، آسیه (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه کیفیت زندگی و سبک‌های فرزندپروری والدین با سطح تاب‌آوری و عملکرد تحصیلی فرزندان آنان در منطقه ۸ تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

۲۵. قنبری، حمیدرضا و مهرداد مظاهری (۱۳۹۲)، «تبیین تحول نظام آموزش و پرورش در فرایند آنتروپیک فازی»، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ش ۳، ص ۱۵۱-۱۷۲.
۲۶. کرمانی، طوبی و محمدحسن یعقوبیان (۱۳۹۰)، «تفکر فازی و فلسفه صدرایی»، فصلنامه خردنامه صدرا، ش ۶۴، ص ۶۳-۸۰.
۲۷. کلاتری، مهرداد؛ حسین مولوی و میترا توسلی (۱۳۸۴)، «رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری در کودکان پیش دبستانی شهر اصفهان»، فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ش ۲۴، ص ۵۹-۶۸.
۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۹. محدث نوری، محمدتقی (۱۴۱۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، چ ۲، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
۳۰. محسنی، سحر و مهشید آهویی (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه بین اضطراب و سرسختی با سبک‌های فرزندپروری معلمان مدارس متوسطه شهر زاهدان»، فصلنامه پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره ۱، ش ۳، ص ۳۸-۴۷.
۳۱. محسنی، علی؛ مهدی جاودانی مقدم و محسن حاجی (۱۳۹۷)، «تحول پارادایمی مفهوم قدرت و امنیت در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۸، ش ۳، ص ۹۹-۱۲۶.
۳۲. مرزوقی، رحمت‌الله و عباس اناری نژاد (۱۳۸۶)، «تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه»، فصلنامه تربیت اسلامی، س ۲، ش ۴، ص ۱۶۳-۱۹۲.
۳۳. مظاهری، مهرداد و حمیدرضا قنبری (۱۳۹۴)، «کاربرد سیستم‌های فازی در اندازه‌گیری‌های آموزشی-تربیتی»، فصلنامه مطالعات روان‌شناسی تربیتی، س ۱۱، ش ۲۱، ص ۱۴۶-۱۷۰.
۳۴. المیثمی، حافظ نورالدین (۱۴۰۸)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: انتشارات دارالاحیاء التراث.
۳۵. میرصفیان، حمیدرضا (۱۳۹۵)، «بررسی سهم نسبی مدیریت کوانتومی بر مؤلفه‌های اشتیاق شغلی کارکنان ادارات تربیت بدنی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور»، فصلنامه مدیریت اطلاعات سلامت، دوره ۱۳، ش ۱، ص ۴۲-۴۷.
۳۶. نادینگر، نل (۱۳۹۰)، فلسفه تعلیم و تربیت، ترجمه علیرضا شواخی و [دیگران]؛ زیر نظر حسنعلی بختیار نصرآبادی، چ ۱، اصفهان: نشر نوشته.
۳۷. نقی‌پور، مسعود (۱۳۹۰)، «رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با سخت‌رویی فرزندان»، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، س ۲، ش ۲، ص ۱۳-۳۰.

۳۸. وکیلی، هادی (۱۳۸۳)، «عرفان و تفکر فازی»، فصلنامه جستارهای فلسفی، دوره ۱، ش ۲، ص ۱۵۱-۱۷۹.

۳۹. یآوری، محمدجواد (۱۳۸۷)، «تعلیم و تربیت در سیره ائمه اطهار»، ماهنامه معرفت، س ۱۷، ش ۱۳۰، ص ۲۷-۴۸.

۴۰. یگانه، منصور و محمدرضا بمانیان (۱۳۹۴)، «معرفت‌شناسی فازی و سازگاری روش‌شناختی آن با پژوهش‌های معماری و شهرسازی»، فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۱۴، ش ۴۰، ص ۳۱۳-۳۲۵.

41. Alizadeh, H. & Andries, C.(2002), Interaction of parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents, child & family behavior thrapy, 24_37.

42. Bamrind, O. (1991), The influence of parenting style on adolescent competence and substance use, iournal of Early Adolescence, 11, 56, 95.

43. Bluth, K, R.A, Campo, W.S, Futch, and S.A, Gaylord (2017), Age and Gender Differences in the Associations of Self- Compassion and Emotional Well-being in A Large Adolescent Sample. Journal of Youth and Adolescence, Volume46, Issue4, 840_853.

44. Cheng, Ching-Hsue & Lin, Yin. (2002), Evaluating the best main battle tank using fuzzy decision theory with linguistic criteria evaluation , European Journal of Operational Research , vol.142, p.147.

45. Dalzell, J, Nelson, H, Haigh, C, Williams, A. & Monti, P. (2007), West Cheshire Hearing Advisory and Suppor Team (HAST). Involving families who have deaf children using a family needs survey: A multi-agency perspective. Child Care Health Dev, 33(5), pp: 576_585.

46. Desjerdins J, Zdenski JM, Coplan RJ. (2008), An Investigation of maternal personality, parenting styles, and subjective well-being. Personality and Individual Differences; 44(3): 587_597.

47. Diaz, Y. (2005), Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children. Unpublished Master Thesis, University of Maryland, Maryland. Disabilities. The Internet Journal of Mental Health, 1(2): 48_61.

48. Driscoll AK, Russell ST, Crockett LJ. (2008), Parenting styles and youth well-being across immigrant generations, J Fam Issues; 29(2): 185_209.

49. -Dunkel, C., S. & Harbke, C., R. (2009), Direct and indirect effects of birth order on personality and identity: Support for the null hypothesis. *The Journal of Genetic Psychology*, 170, 159-175.
50. Fairholm, M. R. (2004), A new sciences outline for Leadership development, *Leader and Development Journal*, 25(4), 369-383.
51. Fan J, Zhang LF. (2014), The role of perceived parenting styles in thinking styles, *Learning & Individual Differences*. 3(2): 204-11.
52. Gherasim, L., Brumariu, L.E., Alim, C L. (2017), Parenting Style and Children's Life Satisfaction and Depressive Symptoms: Preliminary Findings from Romania, France, and Russia, *J Happiness Stud*, 18:1013–1028.
53. Goplan, G. (2009), Foster parenting and adolescent mental health. Unpublished doctoral dissertation, Columbia university.
54. Gunty, Buri (2008), Parental Practices and the Development of Maladaptive Schemas Online Submission, Paper presented at the Annual Meeting of the Midwestern Psychological Association. 33 pp.
55. Hillstrom, K. A. (2009), Are acculturation and parenting style related to academic achievement among Latino students? A Dissertation Presented for the Degree Doctor of education, University of Southern California.
56. Jago. R, Davison. K. K. Brockman. R. Page A. S. Thompson J.L and Fox K.R. (2011), Parenting style parenting practices and physical activity in 10- to 11- year olds, *preventive medicine*, 52 (1) 44-47.
57. Jansen, E., Daniels, L. A, & Nicholson, J. M. (2012), The dynamics of parenting and early feeding-constructs and controversies: A viewpoint, *Early Child Development and Care*, 182, 967- 981.
58. Lungarini, Alyssa (2015), Parenting Styles and Their Relationship with Anxiety in Children. a thesis for the degree of master in science in developmental sciences.university of rhode island. <http://digitalcommons.uri.edu/theses>
59. Pellerin, L. A. (2005), Applying Baumrinds' parenting typology to high schools: Toward a middle-range theory of authoritative socialization, *Journal of Social Science Research*, 34, 283–303.
60. Rinaldi, C. M; Howe, N. (2011), Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors, *Early Childhood Research Quarterly*, 27(2): 266-273.

61. Rodrigo Dill, Jose Alonso Borba and Fernando D. R. Murcia (2004), Organizations Profitability Analysis: A Fuzzy Logic Approach Enampad Congress.
- Rohner, R. P. (2008). Introduction to parental acceptance-rejection theory studies of intimate adult relationships. *Cros-Cultural Research*, 42, 12 5.
62. Samah BA.(2009), Perceived parental overprotection and separation anxiety: Does specific parental rearing serve as specific risk factor. *Asian J Soc Sci.*;5(11):109.
63. Sampar, venkata. Konada, uday varun (2007), A Novel Approach to predict surface Roughness in machining U.S.A: proquest Information and learning Company.
64. Selman, V.; Selman, R. C. & Selman, J. (2003), Quantum Learning: Learn Without Learning. *International Business & Economics Research Journal*, 2(4), 37- 50.
65. Widmer ED, Kempf N, Sapin M, Galli-Carminati G.(2013), Family beyond parents? An Exploration of family configurations and psychological adjustment in young adults with intellectual disabilities. *Res Dev Disabil*; 34(1):207–217.
66. Wu, J.Z., Zhang, Q. (2011), “Multi-criteria decision making method based on intuitionistic fuzzy weighted entropy”, *Expert Syst Appl* 38: 916–922
67. Yau Genny & Smetana Judith (2003), Adolescent parent Conflict in Hong Kong and Shenzhen: A comparison of youth in two cultural contexts, *International Journal of Behavioral Development* vol 27 (3) 201-211
68. Zhao, J., Wang, L., (2015), “Pricing and retail service decisions in fuzzy uncertainty environments”, *Applied Mathematics and Computation*, 250, pp. 580-592.